

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

در راستای ادله ای که برای تأیید کتابت به عنوان یکی از ادله اثبات در موضوعات خارجیه به آن استناد شده، روایت حسین الاحمسی از امام صادق (ع) است که در کافی (ج 1 ص 52) آمده است، به موجب این حدیث حضرت فرمود: «القلب يتكل على الكتابة»

سند حدیث: محمد بن یعقوب عن علی بن محمد بن عبدالله عن احمد بن محمد عن ابی ایوب المدنی عن ابی عمیر عن حسین الاحمسی عن ابی عبدالله علیه السلام.

سلسله روایات ثقه هستند و از جهت سندی دچار اشکالی نیست.

اما از جهت دلالتی آیا حدیث بر مدعا دلالتی دارد؟ این که می فرماید: «القلب يتكل على الكتابة» معنایش این است که انسان با نوشتن خاطرش جمع می شود، خاطر جمع شدن یعنی اطمینان پیدا کردن، اطمینان پیدا می کند به این که فراموش نمی کند یا اگر فراموش کرد وسیله یادآور دارد یا این که می خواهد بفرماید: «ماکتب قر و حفظ قر» یعنی انسان با نوشتن یک مطلب به سکینه و آرامش می رسد.

به نظر می رسد که شاید این جهت که بخواهیم بگوییم که امام می خواهد بفرماید: مکتوب فی حدنفسه برای اثبات موضوعات حجت شرعی است. احتمال ضعیفی است ولی «إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، بناً علی هذا بگوییم این حدیث گرچه کتابت را فی الجمله ترغیب می کند ولی این که هدف از این ترغیب چه باشد، به فرض اگر حصول اطمینان برای افراد به سبب کتابت باشد معنایش این نیست که آن مکتوب مستقلاً حجت است بلکه بازگشتش به این است که اطمینان حاصل از کتابت نقش آفرین است، مایزش این خواهد شد که اگر جایی داشتیم مکتوب بود ولی موجب اطمینان نبود، دیگر آن کتابت فایده ای ندارد. لذا به جهت دلالتی ظاهراً استناد به این حدیث برای مقصود و مطلوب تمام نیست.

روایت سومی که در مقام تأیید اعتبار کتابت بعضا به آن استناد شده، روایتی است که جناب ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت فرمود: «اكتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا.» حدیث در کافی شریف (ج 1 ص 52) حدیث نهم آمده است که جناب محمد بن یعقوب کلینی عن حسین بن محمد عن معلى بن محمد عن حسن بن علی الوشا عن قاسم بن حمید عن ابصیر قال سمعت ابا عبدالله (ع).

این حدیث گرچه سنداً مخدوش نیست ولی باز هم از جهت دلالت همان مطالب تقریباً هست، در حقیقت این حدیث در جهت ضرورت حفظ مآثورات است چون یکی از صدماتی که اسلام و مسلمین با آن مواجه شدند نهی خلفا از ثبت و ضبط احادیث نبوی شریف بود که شدیداً نهی می کردند و برای ثبت و ضبط آن عقاب می کردند با این ادعا که ممکن است با قرآن خلط شود و در همین راستا بعضی از احادیث چه بسا به دست ما نرسیده مگر احادیثی که سینه به سینه نقل شده یا از طرق معصومین (ع) به دست ما رسیده است. آن ها می گفتند احادیث نبوی شریف را ننویسید، در مقابل امام صادق (ع) می فرماید: «اكتبوا» اگر می خواهید دین و مذهب بماند و تعلیمات نورانی اسلام بماند، این ها را ثبت و ضبط کنید پس در این حدیث امر به کتابت برای حفظ مآثورات است تا سنت به ما منتقل شود و یا سنت متروکه، احیا شود. همین بحث ازدواج مجددی که امروزه خیلی بحثش داغ شده برخی توجه ندارند که این ها در اعصار مختلف دلائل ورود حضرات معصومین به ترویج یا ترغیب کردن، مختلف بوده است. این که حضرت امیر وقتی که می فرماید: سنت متعه را باید احیا کرد تا جایی که اگر کسی نسبت به احیای این سنت اقدام نکند مورد عقوبت من واقع می شود به این دلیل است که بعضی متعه را مساوی زنا معرفی کردند، این وضعیت تا زمان امام صادق (ع) هم هست و ما در روایت داریم که فردی از قم به مدینه رفته است و در جریان سفر حج است و امام (ع) به او برای متعه به جهت احیای سنت تأکید می کند تا باور عمومی که متعه سفاح است، از بین برود ولی بعدها که این مشروعیت متعه النساء نزد شیعه تثبیت شد، در زمان امام موسی بن جعفر (ع) گاهی فرد متأهلی که برای متعه، اجازه می خواست حضرت به او اجازه نمی داد. بنابراین مطابق این حدیث، نوشتن، موجب حفظ و حراست دین می شود و تراش از زوال و از بین رفتن مصون می ماند.

یک احتمال دیگر در معنای حدیث آن است که اگر می خواهید چیزی بیشتر در ذهنتان نقش ببندد آن را بنویسید که این هم از مدعای در بحث ما اجنبی است در حالی که مدعا این بود که خود کتابت و مکتوب فی حد نفسه برای اثبات حجت باشد.

## و الحمد لله رب العالمین